



# واپسین فغانهای اپورتونیسم محتضر

اخیراً درودسته ضد حزب فروتن در تعقیب منطق مشی ضد حزب و در ادامه توطئه های خویش علیه امر قدس احیا حزب طبقه کارگر ایران، اعلامیه ای در خاچ از کشور ملوارد شنام و ناسزابه حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران و کمیته مرکزی آن انتشار داده است. انتشار این سند گام دیگری است که ماهیت ضد حزب رهبران این مشی انحرافی و فرجام ناگزیر آنها را به عیان بر همگان آشکار میسازد. انتشار این سند برهان روشنی است که شاید بتواند چشم تنی چند از رفقای سابق سازمان توفان را که روشن بینی لازم برای درک حقیقت مبارزه بین دو خط مشی طی سالهای موجودیت آن سازمان را نداشتند، باز کند. انتشار این سند گواه دیگری است بر حقانیت مشی و اقدام انقلابی مارکسیست - لنینیستهای که سالهای دراز، گرم از "تب احیا" حزب طبقه کارگر، در رین جمعیه پرتلاطم ایران و در مهاجرت بد و رما هنامه توفان متشکل بوده، مبارزه خود را جهت تحقق آرمان قدس احیا حزب و انقلاب ایران به پیش برده اند.

ولکن علاوه بر دشنام، ناسزا و دروغ مطلب مهمتری در این اعلامیه نهفته است. این اعلامیه در واقع آنچه را که درودسته ضد حزب فروتن تاکنون نمیخواست علنی کند بوضوح نمایان ساخته است. اگر تا به امروز این درودسته در مقابل ایرادات و انتقادات سیاسی طرفداران حزب تزهائی از قبیل "مبارزه بر علیه فئودالیسم تشکیلاتی"، "لیبرالیسم" و امثالهم راه میان میآورد، این بار بوضوح در یکی از موارد اساسی اختلاف نظر، در مورد احیا حزب طبقه کارگر، مسئله موجودیت و خط مشی در طول حیات سازمان توفان، و تقابل از احیا حزب مطرح ساخته است. ما مطالعه این سند را، چون دیگر اسنادی که این گروهک ضد حزب شتابزده در خارج از کشور پیر و ن داده است، به کلیه علاقمندان مارکسیست - لنینیست، بخصوص به کلیه رفقای حزب و هواداران حزب توصیه میکنیم. هر رفیق و خواننده آگاهی میتواند از زراتمیتها، افتراها، دشنام و ناسزاگوییها، از زرات کلیه تناقضاتی که دراستناد آنها موجود است به عمق انحرافات و ترزلات نامیون آنها پی برده، ماهیت متزلزل و ضد حزب مشی آنها را دریابد.

آنچه که در پیرو فرا کمیون مخفی فروتن و گروهک ضد حزب امروزی وی تلاش در پنهان نگاه داشتن دارد اینست که درون سازمان توفان همواره در مورد بسیاری مسائل براهیت، در تحلیل اوضاع جهان و ایران و تعیین مشی و راه کمونیستها و انقلابیون ایران و نظروند ریج دشمنی سیستم یافته و متضاد موجود بوده است. این وضع از زمان حیات آموزگار بزرگ کمونیستهای ایران: رفیق احمد قاسمی موجود بوده و علیرغم تلاش خارق العاده و کوششهای رفیقانه رفیق قنبر و رفقای دیگر برای اصلاح فروتن، تا آخرین مرحله یعنی انشعاب قطعی فرا کمیون مخفی فروتن از سازمان توفان ادامه داشته است. موضع فروتن در موارد بسیار براهیست ذیل با موضع رفیق قاسمی و رفقای دیگر در تضاد قرار داشته است: ۱- مسئله احیا حزب. ۲- مسئله تضاد های اساسی جهان ۳- مسئله تضاد عمده در جامعه ایران. ۴- مسئله ماهیت ضد خلقی سازمان انقلابی و مارکسیست - لنینیست نبودن آن. ۵- شناخت از ماهیت امپریالیسم و مقام سوسیال امپریالیسم شوروی. ۶- مسئله گذر از سیمون و قانون اساسی.

این فرا کمیون ضد حزب تاکنون به انحاء مختلف کوشش در جلوگیری از عیان شدن اختلافات حقیقی، اختلافاتی که طی سالهای اخیر در مورد برخورد قاطع به ماهیت ضد خلقی و ضد مارکسیستی مشی "سه دنیا" بی سازمان انقلابی "نیزتظار میگرد" داشته است. هیئت تحریریه توفان تلاش خواهد کرد تا با چاپ مقالات و اسنادی در این زمینه این اختلافات را بر همگان آشکار سازد تا هواداران مارکسیست - لنینیست و بخصوص جوانان انقلابی در خارج از کشور به ماهیت و عمق این اختلافات پی برده، سره از ناسزبه تشخیص دهند. باشد تا کسانی که هنوز در ترززل خویش باقی مانده، آشتی ناپذیری مارکسیست و اپورتونیست را آن زمان که بصورت دشمنی سیستم یافته و متضاد در درون یک تشکیلات متظاهر شود، درک نمیکند، چشم بگشایند و ببینند که در مبارزه بین مارکسیست و اپورتونیست

نیسم راه سویی موجود نیست و فرجلم تزلزل جزد و غلطیدن به منجلا ب انحراف و ضد مارکسیسم چیز دیگری نمیتواند باشد ، حتی اگر فرد متزلزل انسانی از کلاسیکهای مارکسیسم رانیز بردوش خویش بکشد . جهان بینی پرلتاریا انطباق آموزشهای مارکسیسم را با واقعیت مبارزه ، بیوند تئوری و عمل را میطلبد .

اینک ببرد از به اعلامیه فوق الذکر .

نگارنده این اعلامیه به عیبت تلاش نموده است تا اعتقاد خوانندگان ما همتا ها ، مطالبی که در آن بیان میشود متزلزل ساخته ، به امیدی واهی حقانیت کنگره مؤسس حزب و کمیته مرکزی منتخب آترانی نماید . نگارنده ضد حزبی اعلامیه فوق فراموش میکند که گروهک ضد حزبی وی در بیانیه ای که همین چند روز پیش خطاب به اعضا و هواداران سابق سازمان توفان منتشر ساخته است اعتراف نموده که فرآکسیون ضد حزبی رابطه ای با رفقای ایران ندارد ؛ امروز چگونه این چنین بی پروا مدعی سختگویی رفقائی میشود که جان برکفنگار شده در راه آرمان مقدس احیای حزب طبقه کارگر مبارزه نموده اند ؟ چگونه بخود جسارت میدهد که اقدام انقلابی رفقائی را از بیایی کند که بیش از ده سال تمام جهت تحقق آرمان پرلتاریای ایران گام برداشته ، علیرغم شرایط ترور و اختناق محمد رضا نساهی حزب طبقه کارگر را در عرصه ایران احیا نمودند . راست است که اپورتونیسم تان را به نرخ روز میخورد و سخن بر طبق منافع تنگ نظرانه خود گوناگون میکند . چه باک از اینکه حرف امروز ، یاوه دیروز بر ملا سازد !

نگارنده اعلامیه در آتش کینه خود به احیا حزب طبقه کارگر ایران لجام اختیار را از دست میدهد و گدشته خویش را نیز به یاد استهزا و سفاقت میکبرد . زمانی که سخن از حقانیت شعارها و برنامه سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان در سابق میروید ، در تلاش برای نفی آن فراموش میکند که این تشکیلات از همان بدو تا "سویس خود" وظائف میرو و فوری مارکسیست - لنینیستهای ایران را که سندی در اثبات لزوم برنامه ای برای احیا حزب طبقه کارگر ایران بود ، اساس کار خود قرار داده ، کلیه شعارهای خویش را بر این مینامعین مینمود . نگارنده فراموشکار و کینه توز اعلامیه از یاد میبرد که بر همین اساس "سازمان توفان" چه مبارزه پراقتخاری بر علیه مشی های اپورتونیستی ، کاستریستی ، گواریستی ، چریکی و کلیه انحرافات نزدیکان و جوانان انقلابی ایران به پیش برده است . آیا حقیقتاً بنظر نگارنده مارکسیست - لنینیستهای ایران کوچکترین برنامه و شعار عملی در مبارزه خود بر علیه مشی های انحرافی گوناگون نداشته اند ؟ بنابراین چه مبنائی برای نگارش مقالات صد و بیست و یک شماره "توفان" دفاع از مارکسیسم - لنینیسم ، در رد انحرافات گوناگون ، و مبارزه بر علیه انواع ریزینویسم و افشا جبهه کزیه رژیم شاه میتوانست موجود باشد . . . خیر آقایان ، اپورتونیسم و کینه ارتجاعی مشابه حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران حافظه شمارا کوکرده است . به مقالات ماهنامه شماره ۱۰۰ "توفان" و ده سالگی "توفان" مراجعه کنید . خواهید دید که از قلم ریزوزی برخی از شماد همین زمینه نوشته دیگری تراوده است ! لکن امروز که بالاخره در تعقیب مشی ضد حزبی و انحرافی خود از جنبش بدور مانده اید ناچاره نفی گدشته پراقتخار سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان می باشید . فراموش کرده اید که طرح برنامه و اساسنامه حزب طبقه کارگر ایران که توسط سازمان توفان تهیه شد و مورد بحث کلیه رفقائرا گرفت الهام بخش فعالیت و تبلیغات توفان در مدت حیات خویش بوده است ؟ !

گروهک ضد حزبی ، در اعلامیه خود به سبک و سیاق روشنفکران اپورتونیست در گفتار میون که مدت های مدید با پوشش "جب" جهت اثبات مشی راست خود حرکت میکردند به قطعنامه کنگره مؤسس حزب در رد "تئوری" ریزینویستی "سه دنیا" حمله میکند به این بهانه که کنگره با صد و این قطعنامه "در مورد اوضاع بین المللی" حتی "در سطر هم از مشی حزب در برابر رژیم شاه بر روی کاغذ بیاورده است . آیا کینه تان این حد شمارا کوکرده است که چند سطر بالاترین قطعنامه نظری به اطلاعیه کمیته مرکزی حزب نیاندازید و راهی را که برای انقلاب ایران ترسیم نموده است نپسندید ؟ حقیقت را بگوئید چه چیزی در این قطعنامه این چنین آتش بجان شما انداخته که در تلاش برای انزطراننداختن آن به چنین روغ آشکاری متوسل میشوید . . . ؟ غیبگوشده اید و از این سخن میرانید که هیچ برنامه و اساسنامه ای در کار نیست . حد اقل طاق این را داشته باشید که اسناد علنی برنامه و اساسنامه حزب چاپ شده ، بدستان برسد ؛ آنگاه زبان به دشنام بگشائید ! شماد رشتاب خود برای فریب توده های جوان مهاجر ما همتا ها "توفان" را که در خارج منتشر میشود با "توفان ارگان مرکزی حزب" که منتشره کمیته مرکزی و در داخل ایران است عوض گرفته اید . شما که امروز به فردا بر خورد با "تئوری" ریزینویستی "سه دنیا" و "سازمان انقلابی" به یکباره "جب" شده ، علیرغم این هنوز مشی ریزینویستی و "سه دنیائی" سازمان انقلابی را اینجا و آنجا خلقی مسئله درونی مارکسیست - لنینیستها از بیایی میکید (نشریه "وحدت" اندیشه و عمل" شماره ۲۳) چه کینه ای به این قطعنامه کنگره حزب در رد "تئوری" ریزینویستی "سه دنیا" دارید که این چنین به آن بی تازید ؟ کمی محتاط باشید شاید هنوز امیدی برای نجاتتان از منجلا ب اپورتونیسم و انحراف باقی بماند . با چنین شیوه های معلوم الحالی چه کسی را میخواهید بفریبید ؟

اما اگر از تناقضات ، تحریفات و دشنامهای که در این اعلامیه موجود است بگذریم به اصل موضوع این اعلامیه میرسیم . در

واقع نگارنده اعلامیه فوق الذکر، علیرغم سیاست عمومی گروهک ضد حزبی فروتن‌متنی برپوشانیدن اختلافات سیاسی گذشته و امروزه، نتوانسته است در شتابی که برای نفی حزب در اردمبارخامه خویش داشته باشد و شپهره کلام "اورا" حملات کینه توزانه وی بیرون ریخته است. حقیقت اینست که اینچنین کینه ای امر وزبه حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران سابقه طولانی وریشه دارد و اختلافات برسر مسئله احیا "حزب" دارد. حقیقت اینست که اگر در سازمان توفان فراکسیونی تشکیل شده بود که امروزه گروهک ضد حزبی فروتن متبلور میشود و اینچنین همان گسیخته به حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران می‌تازد، ریشه اش در موجودیت و دشمنی، یکی مارکسیستی و هوادار احیا "حزب" طبقه کارگرد یگری اپورتونیستی و مخالف آن می‌باشد. اگر هم امروزتی چند ازرقای سابق سازمان توفان متزلزل بوده در مسراشیب آشتی با اپورتونیسم فروتن رواند غلغله عدم معرفت آنها براین مسئله و عدم درک این مبارزه است. حقیقت اینست که در سازمان توفان نظر فروتن و بعد هاشمی وی که فراکسیونش بر آن پایه تشکیل شد همواره سمت اخلال در امر احیا "حزب" طبقه کارگرد داشته است. اقدامات توطئه گرانه، انشعاب وی از سازمان توفان و حملات کینه توزانه اش به حزب نیز نتیجه منطقی تکامل چنین نظری است.

زمانی که کلیه سازمانهای حزبی حزب توده ایران در داخل کشور، بد نیال ضربات حاصله از کودتا و بعد ها خیانت استاکریت رویزیونیست "کمیته مرکزی" از میان رفته بودند، زمانی که در خارج از کشور بخش عمده کادرهای حزبی در اثر توطئه مشترک رویزیونیستهای "کمیته مرکزی" و سازمان امنیت، بر اثر خرابکاریها و توطئه های پاراسنازها، لاشائیها و کشاورزها به ورطه انحراف و انحطاط دچار آمده بودند، در آن زمان که رفقائی از اعضا "حزب" توده ایران در خارج از کشور از "کمیته مرکزی" رویزیونیست بریده، بدورنشریه "توفان" متشکل شده و بیابرون شدن رفقائی از کمیته مرکزی حزب توده تحت رهبری رفیق قفید احمد قاسمی تقویت شده بودند، فروتن با حقانیت این مسئله که سازمان توفان ماهیتاً "حزب" طبقه کارگرد است مخالفت میکرد، علیرغم اینکه همان موقع توفان در داخل ایران تشکیلاتی بوجود آورده و رفقائی از کادرهای سابق حزب توده، نظیر رفیق قفید جعفرنواز راد را بر این سوی خود جلب نموده بود. "تئوری" فروتن مبتنی بر پیوند با توده ها، "پیوندی که هیچگاه حد و دامنش معین نشد تئوری ای ضد حزبی و اپورتونیستی است. راست که کمونیستها وظیفه پیوند با توده ها و رهبری آنها را دارند. اصولاً بدین این پیوند و رهبری - کوچکترین امکان عملی برای انقلاب نیست. اما کمونیستها برای پیوند با توده ها احتیاج به حزب خود، کمیته مرکزی و ارگان مرکزی خود دارند. "تئوری پیوند با توده ها" ره آورد شخص فروتن نیست. "تئوری" است که اپورتونیستها و اعضا و گروهک های ضد حزبی همواره برای جلوگیری از احیا "حزب" طبقه کارگرد آورده اند. مگر فرانسه و مسئله احیا "حزب" راد ۱۹۶۷ بخاطرند اریم، مگر نمیدانیم که در آن زمان در فرانسه نیز گروهی از روشنفکران اپورتونیست که اتفاقاً نفوذ و دامنه فعالیتشان در درین جامعه خود بسیار وسیعتر از گروهک ضد حزبی فروتن بود، "تئوری" غیر از "تئوری" فروتن برای مخالفت با "حزب" کمونیست نداشتند؟ اما این تئوری و تشکیلات مبتنی بر آن لحظه ای در مقابل آتش انتقاد جنبش توده ای و اعتصاب عمومی به ۱۹۶۸ فرانسه مقاومت نکرد و همراه با فروکش آن از میان رفت. مگر در سراسر اروپا رهبران روشنفکر اپورتونیست برای جلوگیری از احیا "حزب" کمونیست "تئوری" دیگری غیر از این داشتند؟ میتو غم انگیز این روشنفکران که جلگی امروزه منجلا ب اپورتونیسم در غلطیده اند برای جوانان و روشنفکران ایرانی عبرت انگیز است. اما گروهک ضد حزبی فروتن با آگاهی کامل به انحرافی بودن این "تئوری" از سر نوشت حاملین آن نمیتواند عبرت گیرد. زیرا در ریس این "تئوری" - خواست "وحدت" کلیه نیروهای خارج از کشور که خود را "مارکسیست - لنینیست" میدانند مطرح بوده است. زیاد رواقع، در ریس این تئوری خواست وحدت سازمان توفان با "سازمان انقلابی" مطرح بوده است که فروتن همواره آن را سازمانی مارکسیستی - لنینیستی شناخته است و نه تشکیلاتی ضد مارکسیستی و گرفتار در دام سازمان امنیت! آری، "تئوری پیوند با توده ها" ی فروتن سرانجام علیش به "تئوری پیوند با" سازمان انقلابی حزب توده در خارج از کشور خاتمه یافت. اینچنین است که در اواخر ۱۹۷۲ پس از مرگ رفیق قاسمی، فروتن با اعمال فشار و توطئه و استفاده از جوانی وی تجربهی برخی از اعضا - هیئت مرکزی سازمان توفان - نه قطعنامه گانگ خود را در مورد "وحدت مارکسیست - لنینیستهای ایران" (که طی آن عمدتاً "وحدت" مارکسیست - لنینیستهای خارج از کشور مطرح شده است) به سازمان توفان تحمیل کرد و بدین ترتیب مسئله احیا "حزب" را بطور کلی ملغی ساخته، آینده ای دوره نامعین و مس تازیک برای آن ترسیم نمود. و بدین ترتیب است که مبارزه برسر مسئله احیا "حزب" مبارزه برسر مسئله ارزیابی می‌شود و - ماهیت "سازمان انقلابی" عینین شد. فروتن در سال ۱۹۷۴ توانست قطعنامه خود را - علیرغم تعدد یالاتی که بر اثر مبارزات رفقائی آگاه و صدیق در رون هیئت مرکزی توفان در آن داده شد - به سازمان توفان تحمیل کند. لکن از آن زمان مبارزه حیاتی برای سازمان توفان و برای امر احیا "حزب" در گرفت که بالاخره به طرد فروتن و فراکسیون مخفی او و تشکیل گرهه حزب انجامید.

سازمان انقلابی که زمانی کاستر ریسم را وسیله مبارزه بر علیه مارکسیسم قرار داده بود، سالهای دراز است که دستاویز "تئوری" رویزیونیستی "سه دنیا" برای انجام مقاصد بلید خود گشته است. در طول تمام این مدت فروتن از "مارکسیست - لنینیست" بودن این گروهک ضد خلقی مدافعه مینمود. چه میشود که امروزه ناگهان ورق برگشته و گویا این حضرت و شرکا به "اختلاف نظر عمیق" خود

با "سازمان انقلابی" پی برده به جدال زرگری با آن پرداخته اند؟ چه میشود فروتنی که بدنبال سفر خود به چین در آوریل ۱۹۷۶ - فعالانه تدارک "وحدت" دوسازمان را می دید، تا همین اواخر از مارکسیست - لنینیست بودن "سازمان انقلابی" مدافعه می نمود، تا بای تشکیل یک کمیسیون مشترک برای تدارک "وحدت" دوسازمان، مخفی از رهبری سازمان توفان رفته بود، به یکباره، ظرف ۲۴ ساعت موضع عوض کرده به جدال نظری بر علیه "سازمان انقلابی" پرداخته، حتی در اعلامیه مورد بحث خویش "شیوه پلیسی" را با "بوی سازمان انقلابی" یکی میکند؟! این رنگ عوض کردن که بمحض علنی شدن اختلافات سیاسی و مقصد فریب جوانان خارج از کشور انجام میگردد مشخصه اپورتونیسمی بابرنامه و توطئه گر، نشانه حسابگری و نمان به نرخ روز خوردن است... اما فایده ای عاید دکاندار نخواهد کرد! زیرا چنین سیاستی تضاد های درونی خود را به همراه میآورد؛ دم خروس اینجا و آنجا بیرون میزند. شما هنوز در آخرین نشریات خود کینه انقلابیون و کمونیستهای ایران را نسبت به "سازمان انقلابی" به "هیستری ضد سازمان انقلابی" تشبیه میکنید، شما هنوز در نوشتجات خود از این دم میزنید که "مشئ حاکم بر سازمان انقلابی حاکم از چنین ماهیت ضد خلقی نیست"؛ جدال زرگری شما بر علیه مشئ امروزی سازمان انقلابی، هنوز رنگ و بوی جدال میان دو خط مشئ در درون جنبش کمونیستی را دارد. شما روزی پیسم را از هر رنگ و به هر عنوانی که باشد خارج از اردوی جنبش کمونیستی بین المللی میدانم. حقیقت را بگوئید، چه مسئله ای که آمد لبستی عنوان و اختیار قلم و زبان شمارا در "سازمان انقلابی" مہار کرده است؟! چه رابطه ای بین "احتیاط" شما

در میان واقعیت ماهیت مشئ و تشکیلات "سازمان اعصابی" مخفیانه ای که از شما توسط آوردگان شبه تئوری "سه دنیا" و پانپان جریان روزی کمونیستی نوین در جنبش مارکسیستی - لنینیستی جهانی میشود، موجود است؟ اگر شهادت در آید واقعیت را به توده ها بگوئید. فروتن همواره، تحت عنوان "کار خصوصی" و بر طبق درخواست آوردگان "تئوری سه دنیا" دست به ترجمه آثاری به زبان فارسی زد که بر علیه مشئ عمومی جنبش کمونیستی بین المللی است، چگونه میشود که چنین حضرت و شرکایش بیکباره ادعای مبارزه بر علیه "تئوری روزی کمونیستی" سه دنیا" را داشته باشند؟! چگونه میشود که این حضرات تا این حد مورد تقد خائنینی چون تنگسپا توینگ، این خروشچف چینی و مطرود انقلاب فرهنگی قرار میگیرند؟! مگر همین ۲۸ به ۱۹۷۷ نبود که فروتن بنهان از نظر هیئت مرکزی آن زمان سازمان توفان توسط آوردگان "تئوری سه دنیا" به سفر چین دعوت شد... شهادت نفی این را داشته باشید تا ما استاد مربوطه را به چاپ رسانده و در هتکو بر همگان بشناسانیم.

آری، نظر انحرافی فروتن به خط مشئ ای ضد مارکسیست و شکل یافته تبدیل شده، فرا کمین خود را در رد سازمان توفان بوجود آورده بود. تنی چند از زقای سابق توفان هرگز نتوانستند به ماهیت مبارزه ای که درگیر بودی بپردازند. بیش آنها نسبت به فرا کمین بازی و نقض موازین تشکیلاتی لنینی - که به عملکرد روزمره فروتن تبدیل شده بود - هرگز نمیتوانند از کاد صرفاً بوروکراتیک بیرون آمده رنگ و خاصیت سیاسی بخود بگیرد. به همین جهت آنها همواره در کابوس ترلز و احتیاط باقی مانده، جرات و شهادت اقدامات انقلابی را از دست دادند. اما کمونیستهای که در سازمان توفان و برای امر مقدس احیا حزب مبارزه میکردند نمیتوانستند خود را به چنین چارچوبی محدود و غیر اصولی بایند نمایند. دو خط مشئ متخاصم هرگز نمیتوانستند در درون یک تشکیلات مارکسیستی باقی بمانند. وجود دو خط مشئ، همانگونه که تجربه مشخص سازمان توفان بارز یکرنگی است، باید ایجاد فرا کمینها و شیوع آشفتگی فکری می انجامد. اگر بر علیه مشئ اپورتونیستی یا شیوه های انقلابی به مبارزه پرداخته نشده و با قاطعیت طرد نشود میتوانستند تشکیلات را از تشکیلاتی انقلابی به تشکیلاتی اپورتونیستی و بورژوازی تبدیل نماید. تشکیل کنگره موسس حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران آن اقدام انقلابی بود که با تدارک طولانی و برخلاف آنچه که در اردوستانه ضد حزبی فروتن مینماید، انجام گرفت و پیروزی قطعی خط مشئ مارکسیستی - لنینیستی را محقق نمود. امروز دیگر ما از هیچ توطئه و حمله ای باک نیست زیرا وحدت سی آهین و آگاه، و حتی کمونیستی در حزب ما بریاست و قدرت آن را در آن که با هر توطئه ای به مقابله بپردازد. فروتن و باهر اپورتونیست دیگری میتواند امروز همانگونه که خود فرسوسیم نموده به "احیاء" حزب در خارج از کشور، به تشکیل گروهکی بنام حزب ببرد آرد، - اکنون آزاد است که "حزب" خود را با وحدت با "سازمان انقلابی" در اروپا بسازد. اگر شما خود را برای فرقه شدن در لجنزار آساده میکشید ما قدرتی این را دریم که مشئ و راه آینده خود را در آتش مبارزات طبقاتی ایران صیقل دهیم و وحدت خود را بدین ترتیب آبد به تره سازیم. حزب طبقه کارگر ایران امروز چون سفند راز خاکستر خود پدیدار گشته است.

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پر لتری!

زنده باد حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران!

اداره خارجی حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران

۲۵ آبان ۱۳۵۶ - ۱۶ نوامبر ۱۹۷۷